ایران

همانطور که مطرح شد شمال غرب پاکستان محل فعالیت طالبان پاکستان است و جنوب شرقی ایران هم که منطقه بلوچ‌نشین است پر از ناآرامی و شورش‌های بلوچ‌هایی است که در مرزهای پاکستان و ایران تردد می‌کنند. این شورشی‌ها که بین ایران و پاکستان در تردد هستند مدام در تلاشند که این طرف مرز یا آن‌طرف مرز پناهگاهی برای خود پیدا کنند. مثلاً شورشی‌های پاکستان دنبال پناهگاه در داخل خاک ایران هستند و شورشی‌های داخل ایران دنبال پناهگاهی داخل خاک پاکستان هستند. این البته نقطه اختلاف امنیتی ایران و پاکستان است.

اما این اتفاقات درست زمانی در حال وقوع هستند که ایران وارد یک دوره گذار تاریخی در سیاست داخلی خودش شده و درست همین حالا استان سیستان و بلوچستان به یک چالش امنیتی بزرگ برای ایران تبدیل شده است. مهمتر از آن، استراتژی چند دهه‌ای ایران برای استفاده از نیروهای مسلح منطقه‌ای برای گسترش نفوذ خودش به سمت غرب و جهان عرب است که حالا موجب شده ایران وارد یک درگیری جدی با آمریکا و اسرائیل شود. این مسئله در کنار مسائل دیگری که مطرح شد وضعیت ایران را نامشخص می‌کند.

عراق

ر عراق جناح‌های سیاسی و گروه‌های مسلح رفدار ایران قدرت زیادی دارند و همین سئله باعث می‌شود که ایران بتواند از عراق ای تزریق بیشتر قدرت در خاورمیانه استفاده د. عراق یک نقطه پیوند اصلی در شبکه روه‌های مسلح مورد حمایت ایران در منطقه ت که از مرزهای غربی ایران تا شرق دیترانه کشیده شده است. علاوه بر این، راق یک گذرگاه مهم برای ایران است و ران می‌تواند از طریق عراق توانایی عملیاتی خودش را در منطقه شامات گسترش دهد. شبه‌نظامیان عراقی مورد حمایت ایران هم می‌توانند هر زمان که درگیری بین ایران و اسرائیل و آمریکا شدت پیدا کرد، به عنوان نیرویی که قدرت آتش ایران را چندبرابر می‌کند، فعال شوند. همه این عوامل دولت عراق را در وضعیت آشفته و بی‌ثبات امنیتی قرار داده و باعث شده که عراق به میدان نبرد و زد و خورد بین ایران با آمریکا و اسرائیل تبدیل شود.

پاکستان

پاکستان، که همسایه غربی و رقیب تاریخی د است، مشکلات سیاسی و اقتصادی چند عه است که نه‌تنها حل نشده‌اند بلکه مدام حال بدتر شدن هستند. پاکستان ۲۴۵ لیون نفر جمعیت دارد و پنجمین کشور جمعیت جهان است. پاکستان بدهی ارجی زیادی دارد و سررسید پرداخت این دهی‌ها گذشته و برای اینکه از پرداخت ود بدهی‌ها فرار کند به شدت نیاز به کمک لی خارجی دارد. اما کشورهایی که معمولاً پاکستان حمایت مالی می‌کردند حالا ندان تمایلی به این کار نشان نمی‌دهند. ساختار نظامی پاکستان هم که به‌طور سنتی نترل سیاسی را دست خودش داشت، الا با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده است. این چالش‌ها از یک طرف از سمت حزب محبوب عمران‌خان و از سمت دیگر از طریق قوه قضائیه پاکستان است. در ساختار پاکستان قوه قضاییه بسیار قدرت دارد و جمعیت حقوقدان‌ها و وکلای پاکستان اثرات سیاسی زیادی برتحولات کشور دارند و خیلی قدرتمند هستند. مشکل دیگر ارتش پاکستان این است که مجبور است همزمان با شورش و نارضایتی اجتماعی که حالا سراسر پاکستان را درگیر کرده مواجه شود. بحران‌های پاکستان آنقدر زیاد و متنوع هستند که باعث شده‌اند این کشور مسلح به سلاح هسته‌ای به سمت یک فروپاشی سیستماتیک حرکت کند و در نتیجه امنیت در پرجمعیت‌ترین منطقه جهان به خطر بیفتد.

نتیجه

به طور کلی هلال بی‌ثباتی جنوب اوراسیا از خاورمیانه و جنوب آسیا می‌گذرد اما این پتانسیل را دارد که قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی و آسیای جنوب شرقی را هم بی‌ثبات کند. این هلال بی‌ثباتی صرفاً برای آمریکا تهدید محسوب نمی‌شود. اگر روند بی‌ثباتی ادامه پیدا کند منافع چین و روسیه هم با خطر مواجه می‌شود. بنابراین این امکان وجود دارد که در آینده قابل پیش‌بینی منافع آمریکا، روسیه و چین در خصوص کنترل بی‌ثباتی در این منطقه با هم منطبق شود. چراکه تهدیدهای این بی‌ثباتی گسترده می‌تواند به هر سه کشور آسیب بزند.

نگاه هم‌میهن

حسابی که پوتین روی علی‌اف باز کرده است

مسکو در میانه گرفتاری‌هایش در اوکراین چه انتظاراتی از باکو دارد؟

آرمین منتظری
دبیر دیپلماسی و بین‌الملل

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه روز ۱۸ آگوست به آذربایجان سفر کرد. این اولین بار نبود که پوتین به آذربایجان سفر می‌کرد اما اهمیت این سفر این بود که درست در میانه اولین تهاجم زمینی به خاک روسیه از زمان جنگ جهانی دوم انجام شد. یعنی پوتین در این موقعیت خاص، باز هم آنقدر برای این سفر اهمیت قائل بود که انجامش داد. ممکن است بشود خیلی از صفات را به پوتین نسبت داد اما مسلماً نمی‌توان گفت که پوتین سیاست‌مداری است که شرایط را درک نمی‌کند و به تحولات بی‌توجه است. بنابراین می‌شود گفت که سفر پوتین به باکو؛ آن‌هم در این شرایط خاص که روسیه در مرزهای خود درگیر تهاجم زمینی اوکراین است، ممکن است نشان از یک استراتژی گسترده‌تر روسیه برای مدیریت بحرانی باشد که از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی مدام به روسیه ضربه زده است.

اما اگر به بیانیه مطبوعاتی مشترکی که توسط پوتین و الهام علی‌اف منتشر شده بنگریم می‌بینیم که موضوع خیلی مهمی بین پوتین و علی‌اف مورد مذاکره قرار نگرفته است. دو طرف درباره افزایش تجارت دوجانبه، موافقت‌نامه‌های معمول بین دو دولت در بخش‌های نه‌چندان مهمی نظیر مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، تغییرات اقلیم و امنیت غذایی، مذاکره کرده‌اند. اما شاید مهمترین موضوع در این میان، مذاکرات صلح آذربایجان و ارمنستان باشد که از زمان پیروزی باکو در جنگ سال ۲۰۲۰ در جریان است. پوتین در این سفر اذعان کرد که روسیه نیز در خصوص اوکراین با بحران‌هایی مواجه است بنابراین اگر بشود توافقنامه صلح میان باکو و ایروان را سر و سامان داد و حد و حدود مرزها را تعیین کرد و انسداد لجستیکی و اقتصادی را در آن منطقه برطرف کرد، بسیار خوب خواهد بود.

این حرف‌ها به‌طور آشکار نشان از یک واقعیت دارد و آن اینکه مسکو به خوبی درک می‌کند که سرزمین‌های قفقاز جنوبی برای مسکو اهمیت ژئوپلیتیکی دارد و دست روسیه در این منطقه تا چه اندازه تضعیف شده است. کاهش قدرت و نفوذ روسیه در این منطقه به‌طور حتم ناشی از نتیجه جنگ ناگورنو قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ بوده است. واقعیت این است که پیروزی آذربایجان در این جنگ که با کمک ترکیه به دست آمد، توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع باکو تغییر داد و اعتراض ارمنستان از روسیه به‌عنوان شریک امنیتی‌اش مبنی بر اینکه روسیه هیچ کمکی به ارمنستان در این جنگ نکرد، روابط ایروان را با متحد سابقش مسکو به شدت تیره کرد. پوتین در سخنانش در خصوص پیشنهاد میانجیگری روسیه بین باکو و ایروان، کلمات را به دقت انتخاب کرد. این دقت پوتین نشان می‌دهد که اگرچه مسکو دیر وارد این منازعه شده است اما در عین حال تلاش می‌کند که از نفوذ خود بر آذربایجان استفاده کرده و خود را به‌عنوان ضامن صلح در منطقه معرفی کند. بدیهی است که روسیه نمی‌خواهد ترکیه و به‌خصوص غرب، این نقش را در منطقه‌ای که برای امنیت روسیه بسیار حیاتی است، به‌دست بگیرند. مسکو می‌داند که ارمنستان اکنون به سمت غرب گرایش پیدا کرده و روابط سرد باکو با آمریکا و اروپا این فرصت را به غرب می‌دهد تا روندهای باب میل روسیه در قفقاز را مختل کنند.

اما سوال اساسی این است که اگر روسیه نتواند در جبهه اوکراین از خود دفاع کند، آن‌وقت آذربایجان به چه میزان می‌تواند به قدرت روسیه در قفقاز اعتماد کند؟ اینجاست که زمان سفر پوتین به آذربایجان اهمیتش را نشان می‌دهد. چون ممکن است آذربایجان برای میانجیگری با ارمنستان لزوماً به کمک روسیه نیازی نداشته باشد اما روسیه همسایه شمالی آذربایجان است و تاریخ نشان داده روابط این دو کشور با یکدیگر طولانی، عمیق و گسترده بوده است. از طرف دیگر شکست‌های ادامه‌دار روسیه در جبهه اوکراین و یا شکست نهایی روسیه در این نبرد، برای آذربایجان هم نگران‌کننده است. در نتیجه به‌هیچ‌عنوان بعید نیست که جنگ در اوکراین و به‌طور منافع استراتژیک روسیه در میدان نبرد، یکی از اصلی‌ترین محورهای مذاکرات میان پوتین و علی‌اف، بوده باشد اما در بیانیه‌های رسمی سخنی از آن به میان نیامده باشد. علاوه بر این باید به این نکته هم توجه کرد که پوتین و علی‌اف چند ماه پیش در مسکو با هم دیدار کرده بودند. بنابراین سخت است باور کنیم که پوتین با فاصله کمی از دیدار قبلی با علی‌اف در مسکو، که ماه آوریل برگزار شد، تصمیم گرفته در شرایطی که اوکراین به خاک روسیه حمله کرده است، بدون اینکه دستورکار ویژه‌ای داشته باشد، راهی باکو شود.

در واقع، درک استراتژی روسیه بسیار ساده است؛ حالا که جنگ در اوکراین در وضعیت بدی قرار گرفته، روسیه باید هر کاری که از دستش برمی‌آید صورت دهد تا امنیت در دیگر مناطق مرزی‌اش برقرار باشد و روسیه کنترلش را بر دیگر نقاط پیرامونی‌اش از دست ندهد. در حال حاضر، حیاط خلوت استراتژیک روسیه در مقابل نفوذ غرب مقاوم است، روسیه به‌رغم نفوذ ژئواکونومیک چین در آسیای مرکزی هنوز نفوذ امنیتی زیادی در این منطقه دارد. بلاروس هم همچنان برای حفظ امنیت ملی‌اش به شدت به روسیه وابسته است و با توجه به تمرکز غرب بر اوکراین، مسکو احتمالاً معتقد است که در این جبهه امنیت دارد. اما جناح جنوبی روسیه کاملاً در معرض خطر و نفوذ غرب است. از دید روسیه، مناقشه سال ۲۰۰۸ بین روسیه و گرجستان هنوز حل و فصل نشده و آذربایجان کنترل قره‌باغ کوهستانی را از ارمنستان پس گرفته و قفقاز جنوبی در مسیر نامشخصی قرار گرفته است.

روسیه نتوانسته است که در شکل‌گیری نتیجه درگیری‌های نظامی جدید در قفقاز جنوبی، تاثیرگذار باشد اما حالا سعی می‌کند خود را وارد روند صلح در این منطقه کند و از میانجیگری به‌عنوان ابزاری در مقابل نفوذ ترکیه و غرب در قفقاز جنوبی استفاده کند. مسئله مهم دیگر از نظر روسیه این است که حل و فصل اختلافات بین آذربایجان و ارمنستان مانع بزرگی در مسیر حمل و نقل بین‌المللی ترانس خزر که به کریدور میانی معروف است را از میان می‌برد. این کریدور آسیای مرکزی را به اروپا متصل می‌کند و نفوذ روسیه را در خارج از کشور تضعیف می‌کند. طبیعتاً روسیه تمام تلاش خود را به کار بسته تا پروژه مورد حمایت خود، یعنی کریدور حمل و نقل شمال- جنوب، کریدور ترانس خزر را به حاشیه براند. اما با توجه به اینکه روسیه تحت تحریم‌های شدید اقتصادی است و ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای کلیدی کریدور شمال-جنوب، تحت تحریم‌های شدید است، بعید است این کریدور به زودی افتتاح شود. با این حال روسیه به هیچ عنوان تمایلی ندارد که کنترل مرزهای جنوبی‌اش را به غرب واگذار کند.

در این میان، آذربایجان که موقعیت استراتژیکی در منطقه دارد، تلاش می‌کند هم از روسیه و هم از غرب امتیاز بگیرد. اما پتانسیل آذربایجان برای کمک به روسیه برای حل مشکلش با اوکراین، بسیار بیشتر است. از سمت دیگر، باکو به شدت به بهبود روابطش با غرب نیاز دارد چراکه نگران همسایه جنوبی‌اش ایران است و تمایل دارد از حمایت غرب از قبال ایران برخوردار شود. به همین دلیل است که آذربایجانی‌ها به شدت از وابستگی فزاینده روسیه به کمک‌های نظامی ایران نگران می‌شوند. از این جهت شاید بتوان گفت که تاکید شفاهی سرگئی لاوروف و پوتین در سفر به باکو به لزوم گشایش کریدور زنگزور، که ایران به شدت با آن مخالف است، صرفاً با هدف رفع نگرانی باکو از روابط نزدیک روسیه و ایران صورت گرفته است و بعید است این مواضع شفاهی جنبه عملیاتی به خود بگیرند. در نهایت آذربایجان هم نیاز دارد که در مرزهای شمالی و جنوبی خود امنیت داشته باشد. روسیه با توجه به شکست‌هایش در اوکراین تلاش خواهد کرد تا نفوذش را در قفقاز حفظ کند. اما واقعیت این است که اگر روسیه نتواند مشکلش را در اوکراین حل کند، در قفقاز نیز با مشکل مواجه خواهد شد. بنابراین اوکراین همچنان اولویت نخست روسیه است و سفر پوتین به آذربایجان مسلماً ارتباط مستقیمی با مشکلات اخیر روسیه در اوکراین دارد.

گفتار سیاستمدار

مردم آماده عبور از ترامپ هستند

کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در اولین گفت‌وگوی تلویزیونی خود از زمان پذیرش نامزدی دموکرات‌ها برای ریاست‌جمهوری گفت که کمک به رسیدگی به مشکلات اقتصادی و تقویت طبقه متوسط اولویت نخست او خواهد بود. وی که در مصاحبه‌ای مفصل با شبکه سی‌ان‌ان شرکت کرده بود، گفت: «من فکر می‌کنم مردم آمریکا همچون نسل‌های گذشته با امید و خوش‌بینی آماده گام گذاشتن در راه جدیدی رو به جلو هستند.» هریس با انتقاد از دونالد ترامپ، رقیبش از حزب جمهوری‌خواه، گفت که آمریکا آماده است تا دوران او را «ورق بزند» و عصر جدیدی را آغاز کند. کامالا هریس از کارنامه اقتصادی دولت جو بایدن دفاع کرد و «افزایش آمار ایجاد شغل» و همینطور «سریع‌ترین مورد بهبود وضعیت اقتصادی پس از همه‌گیری کووید-۱۹ در میان کشورهای ثروتمند» را از موارد موفقیت در ۴ سال گذشته دانست. معاون رئیس‌جمهور آمریکا با اصرار اینکه ارزش‌هایش تغییر نکرده است، گفت: «من فکر می‌کنم مهم‌ترین جنبه سیاست و تصمیمات من این است که ارزش‌های من تغییر نکرده است.» با این حال او اذعان کرد که با دریافت بازخوردها در جریان «سفرهای گسترده به مناطق مختلف کشور» در مقام معاون رئیس‌جمهور، تغییرات ویژه‌ای را در سیاست‌های کارزار انتخاباتی خود اتخاذ کرده است. او در این باره گفت: «من معتقدم که ایجاد اجماع مهم است. همینطور مهم است که یک زمینه مشترک برای درک اینکه چطور واقعاً می‌توان مشکلات را حل کرد، پیدا کنیم.» وی که به همراه تیم والز، فرماندار مینه‌سوتا و یار انتخاباتی خود، در مصاحبه حاضر شده بود اطمینان داد که مستقل از برنامه‌های او رای‌دهندگان به مراتب بیشتر نگران برنامه‌های دونالد ترامپ هستند. هریس درباره موضوع مهاجرت نیز گفت که پیش از این از یک طرح دوحزبی شامل بودجه چندصد میلیون دلاری برای احداث یک دیوار مرزی حمایت کرده و در مقام رئیس‌جمهور همه کار خواهد کرد تا این طرح امضا و اجرایی شود. وی که پیش‌تر از بستن مراکز بازداشت مهاجران و جرم‌زدایی از عبورهای غیرقانونی از گذرگاه‌های مرزی حمایت کرده بود، در این باره گفت ورود غیرقانونی به خاک این کشور باید «پیامدهایی» برای آن افراد داشته باشد و او قانون را در این زمینه اجرا خواهد کرد. با این حال هریس از تأیید صریح مجازات‌های کیفری برای مهاجران غیرقانونی خودداری کرد. معاون رئیس‌جمهور آمریکا همچنین در مورد جنگ در خاورمیانه حمایت «صریح و تزلزل‌ناپذیر» خود از امنیت اسرائیل را اعلام کرد، با این وجود او اضافه کرد که نحوه دفاع این کشور از خود مهم است. وی با اشاره به اینکه «بسیاری از فلسطینیان بی‌گناه در جریان پاسخ اسرائیل به حمله ۷ اکتبر کشته شده‌اند»، خواستار به سرانجام رسیدن توافق آتش‌بس و آزادی گروگان‌های در دست حماس شد. دونالد ترامپ روز پنجشنبه در مراسمی در ایالت ویسکانسین از اظهارات خانم هریس در این مصاحبه انتقاد کرد و گفت او را در «قد و قواره رهبری آمریکا» نمی‌بیند. او گفت: «او پشت آن میز بزرگ نشسته بود و برای من یک رهبر به نظر نمی‌رسید، صادقانه بگویم. من او را در حد و اندازه‌ای نمی‌بینم که با رئیس‌جمهور شی یا کیم جونگ اون مذاکره کند.» کامالا هریس همچنین در این مصاحبه عنوان کرد که امیدوار است رئیس‌جمهور «همه آمریکایی‌ها» باشد و به دنبال انتصاب یک جمهوری‌خواه در کابینه‌اش به عنوان نشانه‌ای از دنبال کردن اجماع دوحزبی است. وی بدون اینکه از شخص خاصی نام ببرد، گفت: «من فکر می‌کنم جمهوری‌خواه بودن عضوی از کابینه من، به نفع عموم مردم آمریکا خواهد بود.» کامالا هریس تاکنون در نظرسنجی‌های انتخاباتی در سطح ملی پیشتاز بوده است. با این حال رقابت او با دونالد ترامپ در چند ایالت چرخشی شامل نوادا، آریزونا، ویسکانسین، میشیگان، پنسیلوانیا و جورجیا شانه‌به‌شانه پیش می‌رود.